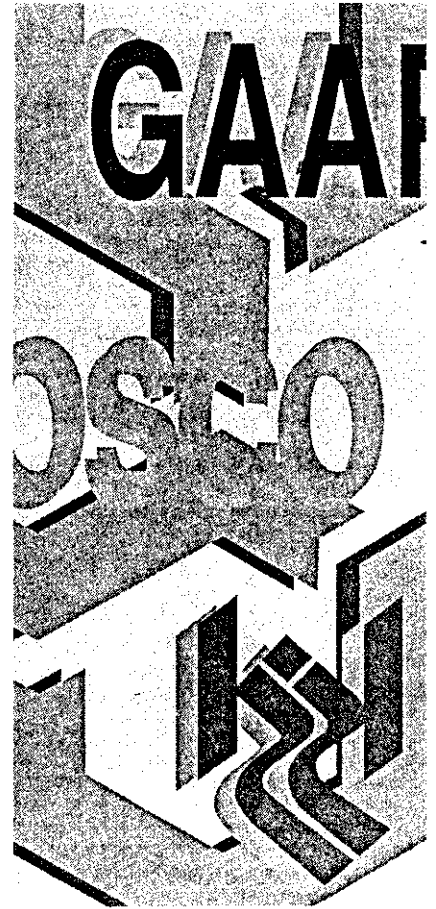


# جایگاه استانداردها در حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها

مجید میراسکندری



## مقدمه

مطلب حاضر برای توضیح روش حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها ارائه نمی‌شود چرا که حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها مطلبی درسی و کلاسیک است و در بسیاری از کتابها و نشریات به آن پرداخته شده است. تحقیقات نشان می‌دهد که در ایران متاسفانه استانداردهای حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها رعایت نمی‌شوند و موضوع این مقاله بررسی دلایل آنست. ضمن آنکه بسیار گذرا به استانداردهای حسابداری مربوط اشاره می‌شود تا پایه بحث و پیشنهاد مشخص باشد. ضمناً بحث مربوط به استانداردهای روشهای تلفیق و ارزش ویژه نیز به وقتی دیگر موکول می‌شود.

نیست که بتوان قیمت‌های ثبت‌شده را تا حد بهای تمام شده یا بازار، هرکدام کمتر است، اضافه نمود؟

البته از سال ۱۹۶۱، انجمن حسابداران خبره آمریکا (AICPA) پیشنهاد کرده بود که اقل قیمت بازار یا قیمت تمام شده مورد استفاده قرار گیرد ولی طی آن گفته نشده بود

از قیمت تمام شده بود. در نیمه دوم سال ۱۹۷۴ و اوایل سال ۱۹۷۵ که بارونق مجدد بازار، قیمت‌ها اندکی بهتر شد، روشن شد که قیمت‌های مندرج در حساب‌ها در مورد بسیاری از مجموعه‌های اوراق بهادار هم از بهای تمام شده تاریخی و هم از قیمت بازار کمتر است. بعد این سوال پیش آمد که آیا بهتر

استانداردهای حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها زمانی به وجود آمد که در سال ۱۹۷۵ (سال ۱۳۵۴ شمسی) وضع گزارشگری اوراق بهادار در آمریکا بسیار ناهماهنگ بود. شرکتها از روشهای مختلف قیمت‌گذاری اوراق و شناسایی سودوزیان آن استفاده می‌کردند؛ گروهی از روش قیمت بازار، گروهی از روش قیمت تمام شده یا گروهی از روش اقل بهای تمام شده یا بازار. و چون در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ بازار سهام سقوط قابل توجهی کرده بود (البته به دلیل افزایش سریع قیمت نفت)، شرکت‌هایی که اوراق بهادار خود را به قیمت تمام شده ثبت می‌کردند، در گزارشهای مالی‌شان زیانهای تحقق نیافته بزرگی را نشان می‌دادند، چون قیمت بازار بسیار کمتر

که اگر قیمت مجموعه از هر دو کمتر بود چکار باید کرد. بنابراین استانداردها سازان، استاندارد FAS-۱۲ را شکل دادند.

## استاندارد FAS-۱۲

در این استاندارد تمایز اصلی بین صناعی است که در آنهاروش تخصصی حسابداری برای اوراق بهادار قابل مبادله<sup>۱</sup> وجود داشته یا نداشته باشد. از لحاظ اصول پذیرفته شده حسابداری (GAAP)، صناعی که روشهای تخصصی حسابداری دارند از جمله عبارتند از شرکتهای سرمایه گذار، دلالان و معامله گران اوراق بهادار<sup>۲</sup>، شرکتهای بیمه و غیره. برای محاسبه زیان تحقق نیافته مسیر معینی طی می شود:

۱- اوراق سهام قابل مبادله به دو گروه جاری و غیرجاری تقسیم می شود، که در حقیقت همان کوتاه مدت و بلند مدت است، مگر اینکه ترازنامه طبقه بندی نشده تهیه شود که در آن صورت همه در یک گروه طبقه بندی می شود.

۲- در هر گروه جمع بهای تمام شده و جمع ارزش بازار حساب می شود، در این مورد قابل ذکر است که هزینه های فروش اوراق در اینجا به حساب نمی آید حتی اگر از قبل مشخص شده باشد، چون ارزش بازیافتنی مورد نظر نیست بلکه ارزش بازار مطرح است.

۳- جمع بهای تمام شده و جمع ارزش بازار برای هر گروه مشخص می شود. صناعی که روش تخصصی برای اوراق سهام قابل مبادله دارند، FAS-۱۲ را به طور محدود به کار می گیرند و روشهای گزارش سود و زیان تحقق یافته و نیافته آنان نیز از طریق اصول حسابداری تغییر نمی کند.

۴- چنانچه قیمت بازار از قیمت تمام شده کمتر باشد، زیان تحقق نیافته محاسبه می شود و در حالت دیگر، همان قیمت تمام شده مبنای ثبت باقی خواهد ماند و اصولاً بر اساس FAS-۱۲ تحت هیچ شرایطی ارزش اوراق بهادار قابل مبادله (جاری و غیرجاری) نمی تواند از بهای تمام شده اولیه بیشتر شود.

۵- زیان تحقق نیافته در گروه جاری به بدهکار سود و زیان و بستانکار حسابی به نام ذخیره کاهش ارزش اوراق بهادار جاری ثبت می شود؛ بنابراین مستقیماً از سود سال کسر یا به آن اضافه می شود.

۶- در گروه غیرجاری، زیان تحقق نیافته، اثری روی سود سال نمی گذارد و به عنوان مانده ای بدهکار، خود را در قسمت حقوق صاحبان سهام ترازنامه نشان می دهد.

سود (زیان) تحقق نیافته در دوره های بعد هم با همین روش محاسبه شده و مبنای کار قرار می گیرد.

در موقع تغییر طبقه بندی (از جاری به غیرجاری و بالعکس) قاعده اقل بهای تمام شده یا ارزش بازار ملاک قرار می گیرد و رقم حاصل، قیمت تمام شده جدید خواهد بود. هرگونه سود (البته تا حد پوشش ذخیره قبلی) و البته کل زیان حاصل، تحقق یافته تلقی می شود.

در زمان فروش بهر حال قیمت تمام شده در مقابل خالص ارزش بازیافتنی قرار می گیرد.

نکته بسیار جالب این استاندارد اینست که سود یا زیان خالص تحقق یافته یا نیافته (با اهمیت) اوراق بهادار قابل مبادله که از تاریخ ترازنامه تا قبل از ارایه آن ایجاد می شود، باید افشا شود.

کاهش دائمی قیمت یک یا چند

سرمایه گذاری در اوراق باعث کاهش قیمت دفتری خواهد شد و مابه التفاوت به حساب سود و زیان منتقل می شود. افزایش احتمالی مجدد این اوراق مستقیماً باعث افزایش در سود نمی شود بلکه در محاسبه زیان تحقق نیافته کل گروه غیرجاری و محاسبه ذخیره مربوط، موثر واقع می شود. نکته دیگری که در این قسمت جالب است اینکه در محاسبه زیان کاهش دائمی، ارزش خالص بازیافتنی مورد نظر است و نه ارزش بازار.

## محاسبه سود سهام دریافتی

در روش قیمت تمام شده (سرمایه گذاری های زیر ۲۰ درصد در سهام عادی دارای حق رای شرکتهای سرمایه پذیر):

● سود اعلام شده از محل سود دوره های بعد از تاریخ تحصیل، به حساب درآمد منظور می شود.

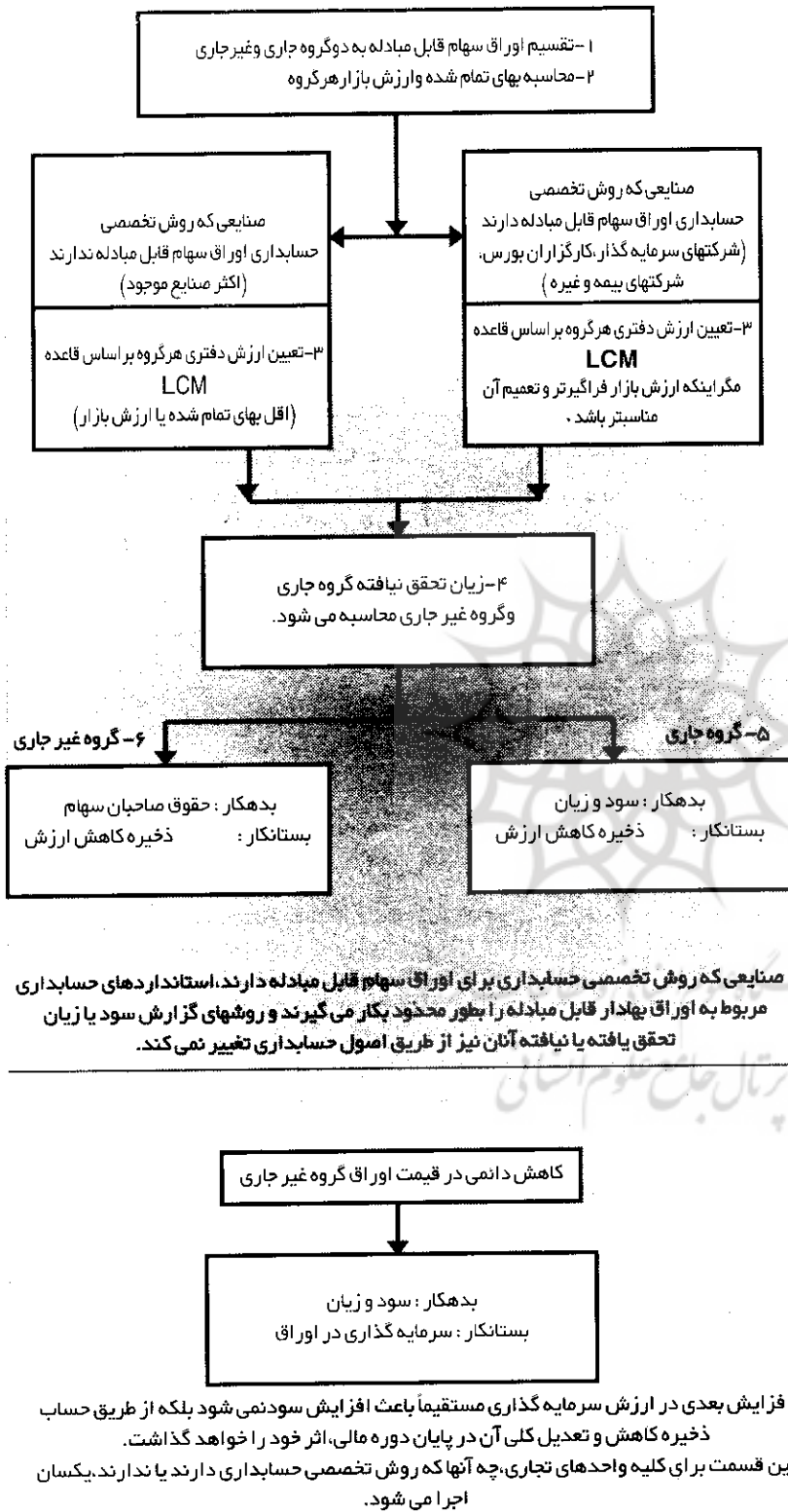
● سود اعلام شده از محل سود دوره های قبل از تاریخ تحصیل، از قیمت تمام شده سرمایه گذاری کسر می شود.<sup>۳</sup>

● نکته بسیار مهمی که وجود دارد اینست که آیا اعلام کردن سود در مثلاً آمریکا، همان اعلام سود توسط مجمع عمومی در ایران است یا معنی دیگری دارد؟ در ادامه مطلب به این موضوع اشاره بیشتری خواهد شد. نمودار شماره ۱ فرایند تصمیمگیری براساس FAS-۱۲ را نشان می دهد.

## استاندارد بین المللی شماره ۲۵

این استاندارد که تاریخ اجرای آن از اول سال ۱۹۸۷ به بعد بوده در مورد انعکاس سرمایه گذاری ها در صورتهای مالی واحد تجاری و افشای موارد مرتبط با آن منتشر

نمودار شماره ۱  
فرایند تصمیمگیری بر اساس



زیان تحقق نیافته

شد، و کاربرد وسیعتری هم داشته است. در این استاندارد نیز، سرمایه گذاری هابه دو گروه کوتاهمدت و بلندمدت تقسیم می شود. سود سهام هر دو گروه، درآمد جاری را تشکیل می دهد و در اینجا نیز سودهای کسب شده در دوره های قبل از تحصیل سرمایه گذاری از بهای تمام شده کسر می شود و البته چون این تخصیص بسیار مشکل است، فقط هنگامی باعث کاهش قیمت سرمایه گذاری می شود که به طور کاملاً مشخص معرف باز یافت بخشی از آن باشد.

مبنای ثبت سرمایه گذاری های کوتاهمدت هر کدام از دور روش زیر است:

الف) قیمت بازار،  
ب) اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار.  
سود تحقق نیافته در روش ارزش بازار در پایان دوره به حساب سود و زیان بستانکار می شود.

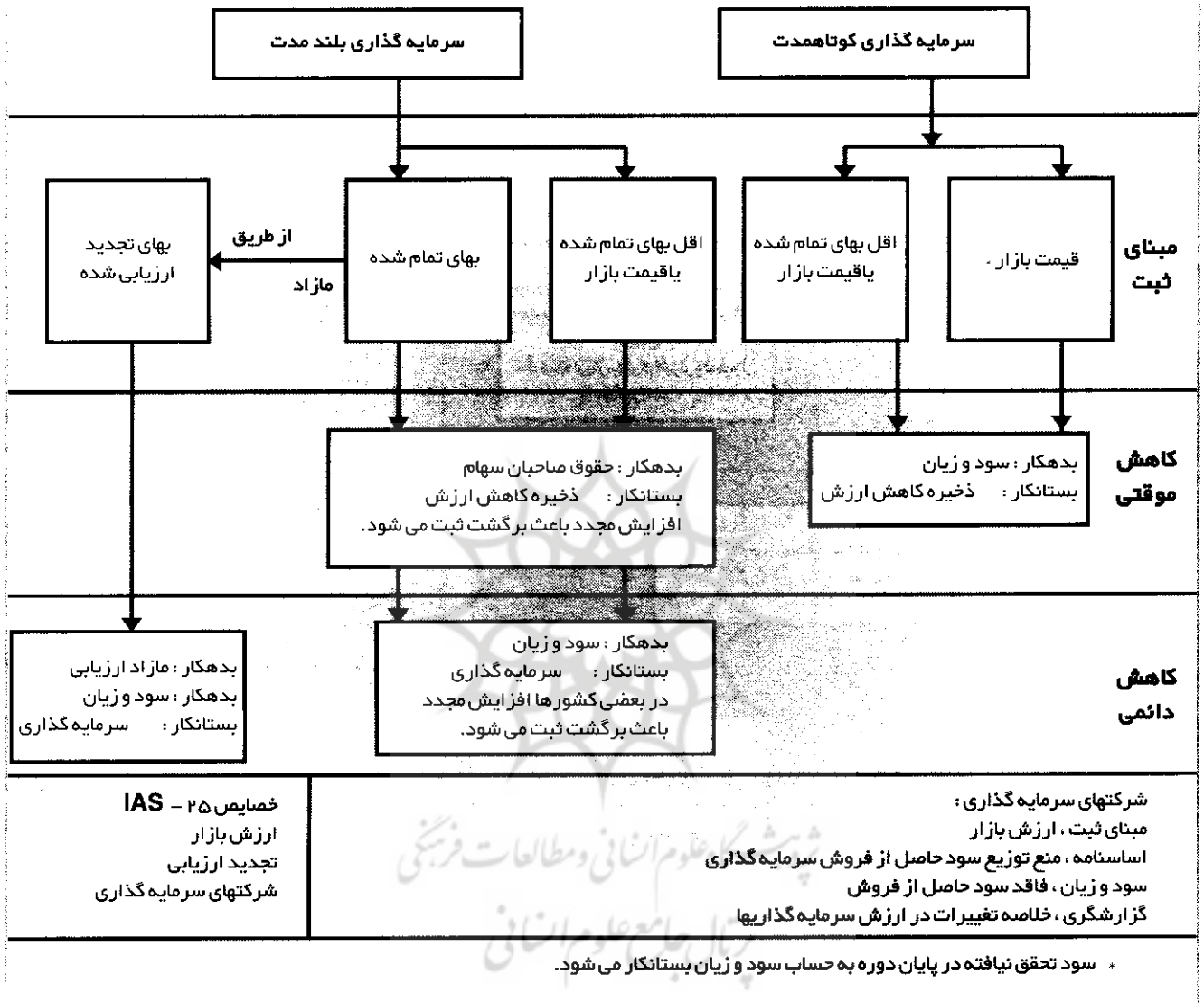
روشهای زیر مبنای ثبت سرمایه گذاریهای بلندمدت است:

الف) بهای تمام شده،  
ب) بهای تجدید ارزیابی،  
ج) درمورد اوراق بهادار قابل مبادله، اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار.

سرمایه گذاری های بلندمدت به علت اهمیت تک تک اقلام، تک تک مورد ارزیابی قرار می گیرند، البته اگر بخشی از آنها قابل مبادله باشند، می توان آنها را با هم جمع کرد. در این استاندارد نیز، کاهش های موقتی در ارزش سرمایه گذاری های بلندمدت و برگشت آن، در حقوق صاحبان سهام عمل می شود.

کاهش دائمی در مبلغ ثبت شده سرمایه گذاری های بلندمدت پس از خنثی کردن اثر تجدید ارزیابی قبلی در صورت

نمودار شماره ۲  
فرایند تصمیمگیری بر اساس IAS - ۲۵



(معمولاً، بازار) ثبت می کنند. اساسنامه این شرکتها آنها را از توزیع سود حاصل از فروش سرمایه گذاری منع می کند (فروش چون به قصد سرمایه گذاری مجدد است، لذا ثبت سود موید تغییر در ارزش اقتصادی موسسه نیست)، بنابراین سودهای حاصل از فروش را در حقوق صاحبان سهام نگه می دارند. این شرکتها خلاصه ای از تغییرات در ارزش سرمایه گذاری های خود را که

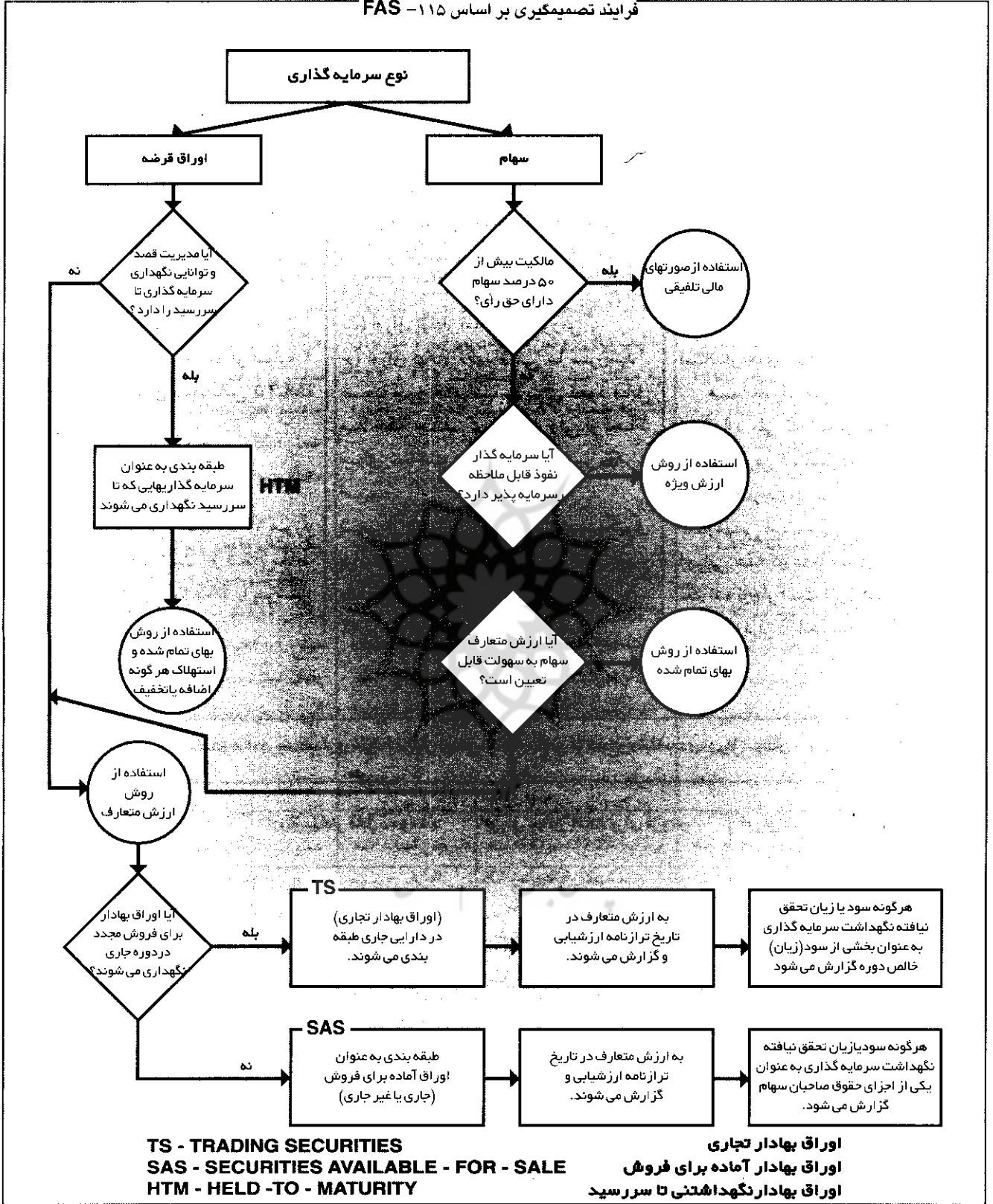
صاحبان سهام) می رود و می تواند صرف کاهش بعدی ارزش سرمایه گذاریها شود. مازاد کاهش مانند کاهش دائمی عمل می می شود (سود و زیان و برگشت به آن).

**شرکتهای تخصصی سرمایه گذاری**  
در برخی کشورها که شرکتهای تخصصی سرمایه گذاری وجود دارند، سرمایه گذاری های خود را به ارزش متعارف

سود و زیان خودنمایی می کند. چنانچه مجدداً ارزش دارایی اضافه شود تا حدی که قبلاً به حساب سود و زیان رفته بود، قابل برگشت است (در سود و زیان بستانکار می شود).

تجدید ارزیابی یا رعایت یکنواختی در تناوب زمانی و همزمانی ارزیابی تمام اقلام بلندمدت، امکانپذیر است. افزایش به حساب مازاد تجدید ارزیابی (حقوق





مربوط به دوره مالی است، ارایه می‌کنند.

#### خلاصه استاندارد ۲۵

۱- مجوز ثبت سرمایه گذاریهای کوتاهمدت قابل مبادله رابه ارزش روز می دهد و سود تحقق نیافته حاصل از ارزیابی پایان دوره آن را در بستانکار حساب سودوزیان می پذیرد.  
۲- تجدید ارزیابی سرمایه گذاری های بلندمدت را مجاز می شمرد.  
۳- شرکتهای سرمایه گذاری را در متن استاندارد مطرح کرده است. نمودار شماره ۲ فرایند تصمیمگیری براساس IAS-۲۵ را نشان می دهد.

#### استاندارد FAS-۱۱۵

این استاندارد از اول سال ۱۹۹۴ مورد استفاده قرار گرفته است<sup>۴</sup> و تمام نقاط ضعف IAS-۲۵ و FAS-۱۲ را پوشش می دهد:

۱- هم سهام و هم اوراق قرضه را دربر می گیرد.

۲- قاعده اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار (LCM) را کنار گذاشته بنابراین مراحل کار ساده تر شده و از قضاوت های گوناگون اجتناب می شود.

۳- اوراق بهادار را به سه گروه تقسیم می کند: الف) اوراق بهادار تجاری<sup>۵</sup>، اوراقی که برای فروش در آینده نزدیک نگهداری می شوند. ب) اوراق بهادار آماده برای فروش<sup>۶</sup>.

ج) اوراق بهادار نگهداشتنی تا سررسید<sup>۷</sup>. ضمناً مرز ۲۰ درصد را برای نفوذ قابل ملاحظه حذف کرده است ولی از لحاظ مبنای شناخت درآمد فرقی با قبل نکرده است.

نمودار شماره ۳ فرآیند تصمیمگیری براساس FAS-۱۱۵ را نشان می دهد. تغییر طبقه بندی، حالت های مختلفی پیش می آورد که در نمودار شماره ۴ منعکس است<sup>۸</sup>.

#### بررسی ابعادی از استانداردها و دلایل عدم رعایت آنها

تا اینجا ملاحظه شد که استانداردها به خودی خود، می توانند مقررات خوبی باشند و رعایت آنها می تواند نظم و نسق مناسبی به گزارشدهی بدهد. پس چرا بعضی از آنها را اجرا می کنیم و بعضی را نه؟ آیا تمام آنها را باید اجرا کنیم؟ و آیا قدرت اجرای آنها را داریم؟

**استانداردهای جهانی و استانداردهای ملی**  
همانطور که می دانیم فعلاً در ایران استاندارد ملی نداریم و ظاهراً سالهاست هیات تدوین استانداردهای ملی مشغول تهیه چارچوب نظری است که گرچه کار مهمی است ولی از لحاظ عملی و اجرایی همه کارها را معوق گذاشته است. نگارنده ناچار است آرزو کند که این کار خیلی به درازا نکشد، مثلاً تا موقعیکه دیگر

#### نمودار شماره ۴

نحوه عمل حسابداری سود یا زیان تحقق نیافته ناشی از تغییر طبقه بندی اوراق بهادار

تغییر به:			تغییر از
اوراق بهادار قابل نگهداشت تا سررسید	اوراق بهادار آماده برای فروش	اوراق بهادار قابل دادوستد	
سود یا زیان تحقق نیافته نگهداشت اوراق بهادار که قبلاً شناسایی شده، برگشت نمی شود.	سود یا زیان تحقق نیافته نگهداشت اوراق بهادار که قبلاً شناسایی شده، برگشت نمی شود.	—	اوراق بهادار قابل دادوستد
سود یا زیان تحقق نیافته در قسمت حقوق صاحبان سهام منظور و گزارش می شود و به عنوان تعدیل بازده اوراق بهادار مستهلک می شود.	—	سود یا زیان نگهداشت اوراق بهادار بلافاصله شناسایی و در سود و زیان سال تغییر منظور می شود	اوراق بهادار آماده برای فروش
—	سود یا زیان تحقق نیافته نگهداشت اوراق بهادار شناسایی و در قسمت حقوق صاحبان سهام گزارش می شود.	سود یا زیان تحقق نیافته نگهداشت اوراق بهادار بلافاصله شناسایی و در سود و زیان سال قبل منظور می شود.	اوراق بهادار قابل نگهداشت تا سررسید

بازار سرمایه‌ای در کار نباشد! خوب حالا که استاندارد ملی نداریم باید به دست خارجی‌ها نگاه کنیم، آنها هم که هر کدام ساز خود را می‌زنند؛ آمریکایی‌ها اصول پذیرفته حسابداری (GAAP) را دارند و خیلی هم روی آن اصرار می‌کنند و بقیه هم غیر از استانداردهای ملی و منطقه‌ای، نهایتاً به استانداردهای بین‌المللی (IAS) اعتقاد دارند. حالا ما کدام را مبنا قرار دهیم؟ معلوم نیست. نظر به اینکه ما هنوز اندر خم کوچه اول هستیم، لذا به نظر می‌رسد در بهترین حالت قصد داریم از اصول سال ۱۹۷۵ استفاده کنیم. حالا باید دید آیا تمام این اصول، حداقل در مورد سرمایه‌گذاری‌ها به کار ما می‌آید یا نه؟

نمونه‌ای از عدم تطبیق استانداردها با شرایط ایران

در اصول و استانداردها دیدیم که سود دریافتی به دو دوره قبل و بعد از تحصیل سرمایه‌گذاری تقسیم می‌شود، اولی از قیمت تمام شده کسر می‌شود و دومی به حساب سود گرفته می‌شود. منظور از سود، سود اعلام شده است و لذا لازمست محیط حسابداری حاکم بر استاندارد را توضیح دهیم. در آمریکا اصولاً تصمیم راجع به اعلام و تقسیم سود، توسط مجمع عمومی گرفته نمی‌شود بلکه آنرا هیئت مدیره اتخاذ می‌کند. در واقع صاحبان سهام، مدیران حسابرسان را انتخاب می‌کنند و بقیه امور از جمله تصویب حسابها، زمان انتشار حسابها، تصمیم راجع به اعلام زمان و مقدار و طرز تقسیم سود رابه عهده مدیران می‌گذارند. مدیران هم براساس سیاست تقسیم سود مستمر، تصمیم می‌گیرند و معمولاً سودهای هر ساله به حسابی تحت

عنوان سود انباشته منتقل می‌شود و در زمان انتشار صورتهای مالی لزوماً بخشی از تقسیم سود و مقدار و موقع آن نمی‌شود. در عین حال سود تقسیم شده و دفعات تقسیم طوری است که تقریباً هیچ تاثیری روی قیمت سهام نمی‌گذارد. مثلاً سهامی که قیمت آن در بازار صد دلار است، سالی دو مرتبه و هربار سه تا چهار دلار سود تقسیم می‌کند، صرفنظر از اینکه عایدی هر سهم (EPS) واقعا ۵ یا ۱۰ یا حتی ۲۵ دلار باشد. برای روشن تر شدن موضوع می‌توان به مثال مندرج در صفحات ۲۲۱ و ۲۲۲ نشریه شماره ۸۹ سازمان حسابرسی اشاره کرد.

مثال

در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۸۸ شرکت الف حقوقی به میزان ۹۰ درصد در شرکت ب را به‌ازای مبلغ ۷۰ میلیون ریال تحصیل کرده است. در تاریخ تحصیل، حقوق صاحبان سهام شرکت ب شامل سهام عادی به مبلغ ۵۰ میلیون ریال و سود انباشته به مبلغ ۲۵ میلیون ریال بوده است. طی سال ۱۳۸۹ شرکت ب سود خالص بالغ بر ۹ میلیون ریال گزارش و سود سهام به مبلغ ۴ میلیون ریال اعلام نموده است. (فرض شده که قرار نیست از روشهای تلفیق یا ارزش ویژه استفاده شود).

حل مساله در روش بهای تمام شده

سرمایه‌گذاری در شرکت ب	۷۰۰۰۰۰۰
وجوه نقد	۷۰۰۰۰۰۰
وجوه نقد (۹۰٪ از سود نقدی)	۳۶۰۰۰۰۰
درآمد سود سهام	۳۶۰۰۰۰۰

ملاحظه می‌شود که تناسب جالبی بین سرمایه، سود انباشته، سود خالص دوره و

سود تقسیم شده وجود دارد و طبیعی است که در این حالت قیمت سهام، مستقل از تقسیم سود به حرکت بر مبنای ارزش ذاتی خود ادامه می‌دهد. در شرایط فوق تنها موقعی سود دریافتی از قیمت تمام شده کسری شود که مشخصاً از محل ۲۵ میلیون ریال سود انباشته اعلام شده باشد.

آیا شرایط ما هم همین است؟ در شرکتهای پذیرفته شده در بورس ما، سودها معمولاً از یک تا چند برابر سرمایه است و غالباً تمام آن نیز پرداخت می‌شود (نقدی - سهمی) و قیمت سهام بلافاصله بعد از مجمع تغییرات شدید کاهشی دارد. طرز عمل مشابه، به صرف مطابقت با استاندارد منطقی به نظر نمی‌رسد.

یک مثال واقعی ایرانی

شرکت سرمایه‌گذار الف سهم ۱۰۰۰ ریالی شرکت ب را در تاریخ ۷۵/۱/۱۵ به مبلغ ۱۸۰۰۰ ریال خریداری کرده است. پایان سال مالی الف ۷۵/۳/۳۱ بوده و در این تاریخ قیمت سهام ب در بورس ۱۷۵۰۰ ریال بوده است. شرکت الف طبق استاندارد و نظر حسابرس خود، ۵۰۰ ریال ذخیره کاهش در نظر می‌گیرد. در ۷۵/۴/۲۷ مجمع عمومی شرکت ب تشکیل شده و ۸۰۰ ریال سود ناخالص نقدی اعلام می‌کند. حسابرس الف خواستار آنست که شرکت در سود و زیان دوره منتهی به ۷۵/۳/۳۱ خود مبلغ ۸۰۰ ریال سود شناسایی کند، توضیح آنکه اعلامیه شرکت ب در تاریخ ۷۵/۵/۵ در هفته‌نامه بورس چاپ شده و مجمع شرکت الف در ۷۵/۶/۱۰ تشکیل خواهد شد. در این حالت در سود و زیان الف هم رقم ۵۰۰ ریال زیان تحقق نیافته کاهش ارزش می‌آید و هم ۸۰۰ ریال درآمد سود سهام! شرکت الف

مسیرهای جداگانه افزایش در حقوق صاحبان سهام

حساب سود و زیان تحصیل شده

درآمدها	هزینه
---------	-------

ترازنامه

xx	حقوق صاحبان سهام (شامل ۱)	xx	دارایی ثابت
x	مزا دستچید ارزیابی (۲/۱)	x	تجدید ارزیابی (۲/۱)
x	سود تحقق نیافته سرمایه‌گذاریها (۲/۲)	xx	دارایی غیر جاری
x	صرف سهام (۲/۳)	x	سود تحقق نیافته سرمایه‌گذاریها (۲/۲)
xx	بدهی‌ها	xx	دارایی جاری
		x	صندوق صرف سهام (۲/۳)
xxx		xxx	

مسیر (۱)

۱- سود و زیان تحصیل شده هم اکنون در شکل افزایش (کاهش) واقعی خالص ارزش داراییها در حقوق صاحبان سهام مستقر است.

مسیر (۲)

۲/۱- تجدید ارزیابی داراییها باعث افزایش دارایی ثابت و حقوق صاحبان سهام می‌شود.  
 ۲/۲- ارزیابی سرمایه‌گذاری غیرجاری به ارزش روز باعث افزایش در دارایی غیرجاری و حقوق صاحبان سهام می‌شود.  
 ۲/۳- فروش سهام به قیمت روز در بورس توسط شرکت (با صرف) باعث افزایش در دارایی جاری و حقوق صاحبان سهام می‌شود.

نوسان قیمت‌های بازار ایران را هم می‌بینیم؛ شاخص قیمت‌ها اول سال ۷۵ معادل ۱۵۵۰ واحد، در پایان ماه شهریور ۲۱۵۰ واحد و در آخر اسفندماه ۱۹۳۵ واحد بوده است! اگر سال مالی شرکت سرمایه‌گذار آخر شهریور باشد، سود تحصیل نشده فوق‌العاده و اگر پایان اسفند باشد، با همان پرتفوی، احتمالاً زیان تحصیل نشده (زیان‌نگهداری) زیادی را گزارش خواهد کرد. پس در زمان نوسان شدید قیمت‌ها رعایت استانداردهای عمومی لزوماً منجر به نتایج مناسبتری نخواهد شد. مالیات: قانون مالیات‌های مستقیم خصوصاً

زور به آن می‌چسبانیم، بعد می‌بینیم که با اینهمه نرزش و انعطاف و فداکاری، تازه رعایت این اصول با توجه به روال کار قانونی و ملی ما باعث خرابتر شدن گزارشهای مالی می‌شود، با اینهمه به دو موضوع جدید برمی‌خوریم که واقعا قوز بالای قوز است. نوسان شدید قیمت‌ها: در استانداردهای بین‌المللی دیدیم که سرمایه‌گذاریهای کوتاهمدت را باید به قیمت بازار ارزیابی کنیم و در اصول آمریکایی هم دیدیم که این آخری (FAS-۱۱۵) حتی سرمایه‌گذاری غیرجاری (وقتی که قیمت بازار دارد) را هم به ارزش بازار ارزیابی می‌کند. خوب،

خواستار آنست که سود ۸۰۰ ریالی را از قیمت تمام شده سهام کسر نماید تا نیازی به ذخیره ۵۰۰ ریالی نباشد ولی استانداردها اجازه نمی‌دهند، لذا شرکت الف هم مالیات ۸۰۰ ریالی سود غیر واقعی را خواهد پرداخت، هم حوزه مالیاتی احتمالاً ذخیره ۵۰۰ ریالی را قبول نخواهد کرد و هم ترازنامه وضع واقعی را نشان نخواهد داد! اتفاقاً این قسمت از اصول و استانداردها در ایران کاربرد وسیعی یافته و اگر بخواهیم بگوییم استانداردها رعایت می‌شود، فقط می‌توانیم به این قسمت اشاره کنیم؛ حال آنکه رعایت این استاندارد به دلایلی که شرح آن داده شد، گزارشهای ما را خرابتر می‌کند.

پیشنهاد نگارنده آنست که حداقل در حالتی که سهام در تاریخی بین تاریخ ترازنامه و مجمع شرکت سرمایه‌پذیر خریداری می‌شود، اولین سود اختصاص یافته به هر سهم، تحت شرایطی، از قیمت تمام شده سهام کسر شود و سود تحصیل شده به حساب نیاید.

دلایل عدم رعایت استانداردها

همان طور که ملاحظه شد، استاندارد ملی نداریم و وقتی می‌گوییم استانداردها رعایت نمی‌شود منظور اینست که اصول و استانداردهای خارجی را رعایت نمی‌کنیم و البته جایی هم نوشته نشده که اگر ملتی اصول دیگران را رعایت نکرد، جرم یا اشکالی پیش می‌آید. ولی همه ما یا حسابداریم یا حسابخواهیم یا قصد هم داریم خود را با قافله جهانی هماهنگ کنیم؛ استانداردهای خارجی‌ها هم که یکی نیست و گوناگون است، آنهم به کنار، یکی از اصول و استانداردها (۱۹۷۵ یا ۱۹۸۷ یا ۱۹۹۴) را می‌گیریم و خود را به



در قسمت شرکتها، اشکالات زیادی دارد که در مورد مطلب حاضر، اشکالات آن ناگفته پیداست؛ در اینجا بحثی نظری پیش می آید که دامنه آن از سود تحقق نیافته فراتر رفته، مازاد تجدید ارزیابی و اندوخته صرف سهام را نیز در برمی گیرد. دو موضوعی که اگر به آنها منطقی تر نگاه کرده بودیم، شاید بازار سهام آرامتری می داشتیم.

### مسیرهای دوگانه افزایش حقوق صاحبان سهام

افزایش یا کاهش در حقوق صاحبان سهام غیر از افزایش سرمایه نقدی از دو مسیر جداگانه امکانپذیر است، که در نمودار شماره ۵ نشان داده شده است.

مسیر اول حساب سود و زیان است که تمام درآمدها و هزینه های جاری در آن جمع جبری می شود و حاصل به حقوق صاحبان سهام می آید؛ اگر سود باشد آنرا اضافه می کند و اگر زیان باشد آنرا کاهش می دهد. ولی مسیر دیگری هم برای افزایش

(کاهش) حقوق صاحبان سهام هست که علی الاصول نباید مشمول مالیات باشد (که متاسفانه وزارت دارایی مانند مسیر اول آنرا مشمول مالیات می داند) و آن افزایشی است که طرف آن نه حساب سود و زیان بلکه دارایی های موسسه است. مثلا تجدید ارزیابی که مستقیما از طریق افزایش فرضی در دارایی ها ایجاد می شود یا صرف سهام که مستقیما، وجوه نقد دریافتی را اضافه می کند و به حساب سود و زیان کاری ندارد و در فرهنگ غربی هم به آن نه صرف بلکه سرمایه اضافی<sup>۹</sup> می گویند. سودهای تحقق نیافته نیز از این قماشند؛ سهمی را ۲۰۰۰ ریال خریدید و بعد از سال ۲۵۰۰ ریال می ارزد. اگر این ۵۰۰ ریال به حساب

سود تحقق نیافته برود و به حقوق صاحبان سهام بیاید (تقسیم نشود) و بعد هر وقت سهام فروش رفت، سود واقعی به حساب سود و زیان برود و مالیات آن پرداخت شود، چه می شود؟ آسمان که به زمین نمی آید! یا مازاد تجدید ارزیابی را که همه می دانند وجود دارد، اگر نشان بدهیم چه اتفاقی می افتد؟ جز شفافتر شدن ترازنامه است؟

ولی طرز برخورد قانون مالیاتهای ما با هر دو مسیر، یکی است. اگر تجدید ارزیابی صورت گیرد باید ۵۴ درصد مالیات پرداخت شود. و از آن بدتر، افزایش سرمایه های مکرر شرکت های پذیرفته شده در بورس به قیمت اسمی است که گرفتاریهای زیادی را باعث شده، و مسلما تقصیر قانون مالیات است.

اگر سهامدار حق تقدم خود را در بازار بفروشد نیم درصد مالیات می دهد ولی اگر شرکت همان حق تقدم را در بورس بفروشد باید ۵۴ درصد آنرا مالیات بدهد، چرا اینطور است؟

آخرین استانداردهای حسابداری سرمایه گذارها را دیدیم؛ دلیل عدم اجرای آنها که ارزیابی قیمت سهام را به ارزش بازار می خواهند، از جمله مشکلات مالیاتی است. قانون باید تغییر کند؛ دولت می تواند صبر کند هر وقت سود تحقق یافت مالیات آنرا بگیرد.

اشکال دیگر زیان تحقق نیافته است، بعید به نظر می رسد که حسابداری بتواند زیان تحقق نیافته کاهش ارزش سرمایه گذارها را به ممیز مالیاتی بقبولاند!

### نتیجه

اگر می خواهیم گزارشگری مالی بر اساس استانداردهای جهانی و صورتهای

مالی شفاف داشته باشیم، باید محیط حاکم برگزارشگری را مناسب گردانیم.

۱- باید قانونی برای شرکتها داشته باشیم که در آن مفاهیم امروزی سود مشخص باشد.

۲- باید قانون مالیاتهای مستقیم، ضمن همخوانی با قانون شرکتها، ترس از دست دادن منابع مالی شرکتها بوسیله مالیات را از بین ببرد و با اخذ مالیات منطقی، زمینه هرگونه استانداردگیزی را از بین ببرد. بخش مالیات شرکتها باید دگرگون شود، سودهای تحقق نیافته مثل مازاد تجدید ارزیابی و صرف سهام و همچنین مازاد قیمت سهام نگهداری شده نباید مشمول مالیات تلقی شود.

۳- استانداردهای حسابداری باید به صورت استاندارد ملی و قانونی در آید. استادان گرامی هیات تدوین استانداردهای ملی حسابداری، باید شتاب پیشه کنند. چارچوب نظری خوبست ولی استاندارد در زمانی که دیگر بازار سرمایه وجود نداشته باشد، به درد کسی نخواهد خورد.

### زیر نویس ها

۱- اوراق سهام قابل مبادنه سندی است که معرف سهم مالکانه یا حق تحصیل سهم مالکانه با قیمتی معین می باشد و به آسانی در بازار مورد دادوستد و معامله قرار می گیرد، مثل سهام عادی، سهام ممتاز، سایر انواع سهام، اختیار خرید سهم (stock option)، امتیاز خرید سهم (warrant)، اختیار خرید سهم قابل انتقال به قیمتی کمتر از قیمت بازار (stock put) و اختیار خرید سهم قابل انتقال به قیمتی بیشتر از قیمت بازار (stock call).

### 2- Brokers & Dealers

FAS-18-3

۴- برای دوره های مالی که از ۱۶/۱۲/۱۹۹۳ به بعد آغاز می گردد.

### 5- Trading securities (TS)

### 6- Securities available for sale (SAS)

### 7- Held to maturity (HTM)

۸- نمودارهای شماره ۳۰۳ به نقل از مجله حسابداری شماره ۱۱۴ صفحه ۱۲. ترجمه رضانظری.

### 9- Additional paid-in capital